

## سنجش میزان گرایشات خانوارهای عشایری در زمینه اسکان و مشکلات موجود در عشایر عرب جرقویه

محمد رضا ابروانی\*

چکیده:

با توجه به وضعیت گرایش‌ها و روندهای موجود در میان عشایر کل کشور، در حال حاضر عشایر کشور را می‌توان بر مبنای نوع گرایش و تمایلی که در رابطه با ادامه زندگی کوچ‌نشینی دارند، به دو گروه تقسیم نمود. گروهی که به دلایل عمده، تمایل به کوچ و ادامه زندگی کوچ‌گری دارند و گروهی که تمایل به اسکان دارند. وجود این دو گرایش دو گانه در میان عشایر کشور این الزام را پدید می‌آورد که خط مشی پیشنهادی برای زندگی آینده عشایر باید اهداف دوگانه‌ای را دنبال نماید. از یک طرف بایستی امکانات لازم را جهت بهبود و اصلاح زندگی کوچ‌گری فراهم ساخت و از طرف دیگر زمینه‌های لازم برای اسکان برنامه‌ریزی شده، متمایلین به اسکان را ایجاد نمود. بر همین اساس تحقیق حاضر با هدف بررسی سنجش تمایلات و گرایشات خانوارهای عشایر عرب جرقویه نسبت به کوچ و اسکان و ساخت تنگناها و مشکلات اقتصادی، اجتماعی و زیستی آنها در دو زمینه کوچ و اسکان انجام گرفت.

جامعه آماری مورد تحقیق خانوارهای عشایر عرب جرقویه که تحت پوشش خدمات سازمان امور عشایر اصفهان قرار دارند، می‌باشند. تکنیک جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه است. عملیات آماری در دو سطح توصیفی و استنباطی صورت گرفته است. در سطح توصیفی با استفاده از درصد و میانگین، به تجزیه و تحلیل و مقایسه داده‌ها پرداخته شده و در سطح استنباطی از آزمون کای اسکور و ضریب توافق چوپرف استفاده شده است.

نتایج حاصله نشان می‌دهد که مهمترین علت کوچ روی خانوارهای کوچ رو از نظر

فراوانی، نداشتن تخصص دیگر، امرار معاش و استفاده از مراتع طبیعی بوده است که عمدتاً از روی رضایت و یا علاقه شخصی و فردی صورت نمی‌گیرد. ولی به علت این که در صورت اسکان نمودن در منطقه قشلاق، زمینه اشتغال وجود ندارد، این شیوه را ادامه می‌دهند. مهمترین علل علاقه افراد به اسکان به ترتیب فراوانی، عدم تحمل مشقات کوچ روی یا نداشتن درگیری در ارتباط با مرتع و استفاده از امکانات رفاهی ولو به مقدار کم بوده است که بر اساس انگیزه‌های اقتصادی و علاقه شخصی صورت نمی‌گیرد. بطور کلی خانوارهای فوق به لحاظ شرایط نامناسب در دو شیوه زندگی، مجبورند به یکی از این دو شیوه علاقه داشته باشند. مهمترین مشکلات خانوارهای کوچ رو برای منطقه بیلاق به ترتیب فراوانی، کمبود داروی دامی، نداشتن مجوز چرا، ممانعت دیگران در عبور دام، مشکل دسترسی به پزشک و ممانعت دیگران در چرای مراتع و برای منطقه قشلاق، کمبود داروی دامی، کمبود علوفه و جو، عدم وجود پزشک دائمی، جایگاه نامناسب نگهداری دام و گران بودن قیمت علوفه و جو بوده است.

### واژه‌های کلیدی:

کوچ اسکان، عشایر جرقویه، مسائل اقتصادی و اجتماعی، گرایشات، طایفه، رمه گردانی

### ۱- مقدمه

در متون تاریخی واژه ایل نخستین بار به هنگام حکومت ایلخانان به کار برده شده است و بر اقوام کوچ نشین و نیمه کوچ نشین شبان دلالت می‌کند.<sup>۱۰</sup> منظور از زندگی کوچ نشینی آن نوع از زندگی است که در آن انسان‌ها از راه پرورش حیوانات و معمولاً با برخورداری از فرآورده‌های کشاورزی زیست می‌کنند و در پی چراگاه‌های طبیعی سالیانه از محلی به محل دیگر کوچ می‌کنند.<sup>۱۱</sup> ایل که همواره با کوچ همراه می‌باشد واژه ترکی است به معنی دوست، موافق یا همراه، رام، مطیع، و طایفه که مخصوصاً به مردم چادر نشین اطلاق می‌گردد.

کوچ‌نشینی نوعی زندگی و معیشت انسانی است که در آن دامپروری اساس فعالیت‌های اقتصادی را تشکیل می‌دهد. ویژگی بارز این نوع زندگی تحرک مکانی و جابجایی گروه‌های انسانی است.<sup>۲</sup>

سازمان ایلی بر اساس رده‌بندی‌هایی است که به خانواده منتهی می‌شود. خانواده کوچک‌ترین واحد اجتماعی و هسته اصلی جامعه ایلی است. ساخت اجتماعی جامعه از واحد اجتماعی خانواده آغاز می‌شود به تدریج به واحد بزرگ و بزرگ‌تر مانند، طایفه و ایلی ختم می‌شود. هر کدام از واحدهای کوچک در درون واحد بزرگ‌تر قرار دارد. می‌توان ساخت اجتماعی جامعه عشایری را به صورت مجموعه دایره‌های متحدالمرکزی به نظر آورد که در مرکز آن خانواده هسته‌ای شکل و دایره‌های به ترتیب محیط بر هم قرار دارد تا به دایره بزرگ منتهی می‌شود. هر چه از پیرامون دایره بزرگ به مرکز دایره‌ها نزدیک‌تر شویم همبستگی میان افراد بیشتر، روابط نزدیکتر و صمیمانه‌تر می‌شود.<sup>۳</sup>

به عقیده ابن خلدون ملاک همبستگی ایلی عصبیت (غرور قومی) است که از پیوند نسبی با خویشاوندی حاصل می‌شود و با هم پیمانی و هم سوگندی گسترش می‌یابد. از این رو نزد عشایر بر خلاف یکجانشینان وابستگی به نسبت اهمیت بیشتری دارد تا وابستگی به محل.<sup>۴</sup> در رابطه با تاریخچه کوچ‌نشینی در ایران، نخستین اشارات تاریخی مربوط است به هزاره اول قبل از میلاد که در این دوره سرزمین وسیعی که بعدها ایران نامیده شد مورد هجوم اقوامی که از شمال به حرکت درآمده بودند قرار گرفت و در این که این قبایل در آغاز ورود به این کشور دامدار (رَمه دار) بودند و به پرورش اسب می‌پرداختند قومی است که جملگی برآیند<sup>۵</sup> زندگی کوچ‌نشینی اساساً و عمدتاً مبتنی بر دامداری و یا رَمه‌گردانی و به طور کلی پرورش دام است.<sup>۶</sup>

بررسی شیوه معیشت و اقتصاد حاکم بر جوامع کوچ‌نشین نشان می‌دهد که دامداری سنتی و کشاورزی ابتدایی و سپس صنایع دستی به ترتیب ارکان اقتصادی آنها را تشکیل می‌دهد و از مهمترین موضوعات مورد مطالعه اقتصاد کوچ‌نشینان به شمار می‌رود.<sup>۷</sup>

به طور کلی واحد تولید در بین کوچ‌نشینان ایران خانوار است که یک واحد مصرف نیز می‌باشد و یکی از خصوصیات بارز کوچ‌نشینان مسئله مصرف‌گرایی و عدم توجه به سودجویی است و از طرفی در چند دهه اخیر اقتصاد کوچ‌نشینان تحت تأثیر نظام سرمایه‌داری و بازارهای

بین‌المللی قرار گرفته و در نتیجه کوچ‌نشینان مجبورند قسمت بیشتری از تولیدات خود را در بازارها به فروش برسانند و در ازاء آن کالاهایی را که خود تولید نمی‌کنند و بدان‌ها نیاز دارند خریداری نمایند.<sup>۱</sup>

البته فعالیت دامداری به مراتب فزون‌تر و مهم‌تر از کشاورزی و صنایع دستی است به طور کلی برای بررسی اقتصاد کوچ‌نشینان در تمامی ابعاد می‌بایست عوامل زیرساز این نوع معیشت را مورد مطالعه قرار دهیم، بررسی چگونگی مراتع کشور به عنوان عامل اساسی در اقتصاد کوچ‌نشینان، دامداری و سپس کشاورزی (به غیر از دامداری)، صنایع دستی، فعالیت‌های متفرقه و مبادله از موضوعات مهم و قابل تعمق به شمار می‌روند و در صورت شناخت دقیق و همه جانبه این فاکتورها می‌توان به امر توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نواحی کوچ‌نشین دست یافت.<sup>۲</sup>

کوچ‌نشینان برای استفاده بهتر از نیروی انسانی خود با فروش مواد لبنی به نوعی حرکت تعاونی سنتی اقدام می‌کنند که این عمل خانوار عشایر را قادر می‌سازد که برای مدتی بتوانند به صورت تعاونی به تولید فرآورده‌های لبنی اقدام کنند و کلیه فعالیت شیردوشی و تبدیل شیر به سایر مواد لبنی توسط زنان عشایر انجام می‌شود.<sup>۳</sup>

پس از گسترش نیاز و ورود بخشی از کالاها و مصنوعات مورد نیاز کوچ‌نشینان از بیرون نقش پول برای آسان کردن مبادلات ظاهر گردید و تولیدات کوچ‌نشینان از جمله تولیدات دستی و صنعتی در زندگی آنان نقش یافت.<sup>۴</sup>

مرتفع‌نقش پر اهمیتی را در تولید و بهره‌وری‌های اقتصادی در سطح کشور داراست این عامل تولیدی بدون هزینه گذاری، سالانه مواد مصرفی فراوان و پر اهمیتی نظیر: گوشت، پوست، لبنیات و غیره را به طور غیرمستقیم برای کشور تأمین می‌نماید و نیز در ایجاد فعالیت و اشتغال کوچ‌نشینان از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است.<sup>۵</sup>

جمعیت کوچ‌نشین کشور بر اساس سرشماری سراسری عشایر کوچنده در سال ۱۳۶۶ به ۹ ایل و ۵۴۷ طایفه مستقل تقسیم شده است.<sup>۶</sup>

در بین ۲۰ تا ۲۵ میلیون نفر جمعیت ساکن ایران در سال‌های ۵۴-۱۳۳۵ حدود ۲ تا ۳ میلیون چادرنشین وجود داشته است. که متأسفانه در سال ۱۳۶۳ با جمعیتی حدود ۴۸ میلیون نفر در کل کشور، ایلات به ۱/۵ میلیون رسیده است و بر اساس اطلاعات به دست آمده از

سرشماری اجتماعی - اقتصادی عشایر کوچنده کشور در سال ۱۳۶۶ جمعیت عشایری کشور ۱۱۸/۱۵۲ نفر ثبت شده است.<sup>۱۸</sup>

بررسی‌های به عمل آمده نشان می‌دهد که این عشایر اگر چه دارای پیشینه عشیره‌ای هستند ولی آنچه به نام عشایر عرب جرقویه معروف است از یک نیا و از یک کوله‌بار فرهنگی خاصی نیست بلکه مجموعه‌ای از خانوارهایی از ایلات مختلف و برخی از روستائیان است که بنا بر شرایط اقلیمی، این شیوه از معیشت را برگزیده‌اند. در مجموع این عشایر به علت عدم پیشینه قومی واحد، عدم وجود ارتباط قومی و نژادی بین طوایف مختلف، عدم وجود ساختار ایلی منسجم و از هم گسیختگی ساخت قدرت، از سایر ایلات متمایز می‌باشند.

قلمرو پراکنش عشایر عرب جرقویه با جمعیتی بالغ بر ۴۲۱۳ نفر، منطقه وسیعی از سه استان اصفهان، چهارمحال و بختیاری و فارس را دربر گرفته است. این حوزه با مساحتی حدود ۵۱۰۰۰ کیلومتر مربع، حدود  $\frac{1}{4}$  کل کشور را شامل می‌شود. قلمرو جغرافیای این عشایر مسجل بر ۱۰ شهرستان و شامل شهرستان‌های شهرضا، سمیرم، اصفهان، بروجن، لردگان، اقلید، اباده، مرودشت، شیراز و سپیدان می‌باشد.

این عشایر در مناطقی بیلاقی، میان بند و ایل راه‌ها در میان سه ایل بختیاری، قشقانی و خسه پراکنده‌اند. شیوه اصلی کوچ این عشایر عمدتاً از نوع کوچ عمودی است.

## ۲ مسئله

کوچ‌نشینی به عنوان یک شکل اجتماعی دیرینه در متون علوم اجتماعی مطرح بوده است. که آن را از جنبه‌های مختلف می‌توان مطالعه نمود. کوچ‌نشینی و اقتصاد مبتنی بر دام از یک طرف برای اقتصاد جامعه نتایج مثبتی دارد و از طرفی دیگر اسکان غیر صحیح عشایر پیامدهایی منفی از جمله افزایش مشاغل کاذب، کاهش میزان تولید و نهایتاً وابستگی اقتصادی را فراهم می‌نماید.<sup>۱۹</sup>

برای دستیابی به جوانب متعدد سنجش میزان گرایشات خانوارهای عشایری در زمینه اسکان و مشکلات موجود از چند نفر خبره و آگاه نظرخواهی شد و آنچه در این رابطه حاصل

\* جهت حفظ امانتداری و با توجه به محدودیت فضای فصلنامه بخشی از مباحث تنوریک فوق و دیدگاه خانواده‌های کوچ‌رو نسبت به خانواده‌های اسکان یافته از این مقاله حذف گردیدند.

آمده با نظر پژوهشگر مطابقت داشت. سپس تصمیم گرفته شد عشایر عرب جرقویه به طور موردی مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

در مرحله بعد سئوالات متعددی از طریق پرسشنامه مطرح گردید و موضوع بصورت علمی مورد مطالعه قرار گرفت.

### ۳ هدف

در مرحله اول شناسایی و مطالعه نقشی است که عشایر در اقتصاد ایفا می کنند. خواه به صورت کوچ نشینی یا اسکان و تمایل به دامپروری و پرورش دام و طیور در مرحله دوم لازم است که برنامه ریزی ها و سیاست ها مربوط به این گونه مطالعات عملی صورت پذیرد در مرحله سوم این پژوهش حداقل به بررسی مشکلات اقتصادی - اجتماعی خانوارهای عشایر کوچ رو و ساکن پرداخته و به بررسی پیشنهادات خانوارهای عشایری در رابطه با رفع مشکلات آنها در زمینه کوچ و اسکان می پردازد. در این زمینه بخشی از تحقیق به بررسی خصوصیات اقتصادی، اجتماعی خانوارهای کوچ رو و ساکن می پردازد و در ادامه سنجش با گرایشات خانوارهای عشایر در امر کوچ و اسکان در آینده به منظور برنامه ریزی مکان های مناسب برای ادامه کوچ روی و مکان های مناسب برای اسکان مورد مطالعه قرار می گیرد.

هدف کلی از این تحقیق آگاهی میزان گرایشات خانوارهای عشایری در زمینه اسکان و مشکلات موجود با تأکید بر بررسی موردی عشایر عرب جرقویه است. سپس آشنایی با توانایی ها و امکانات منطقه مورد مطالعه است که با توجه به آن بتوان مشکلات جامعه عشایری را تا حد امکان کاهش داد که از جنبه کاربردی قابل استفاده برای برنامه ریزان و مجریان باشد.

همچنین ارائه راه حل ها و پیشنهادات کاربردی برای عرضه امکانات لازم و افزایش کارایی نمونه مورد مطالعه جزء اهداف اساسی این پژوهش می شود.

## ۴- روش تحقیق

جامعه آماری مورد تحقیق در این بررسی کلیه رؤسای خانوارهای عشایر عرب جرقویه که تحت پوشش خدمات امور عشایری استان اصفهان قرار دارند، می‌باشند. فرد آماری در این بررسی رئیس خانوار عشایری است.

برای نمونه‌گیری ابتدا اسامی کلیه رؤسای خانوارهای عشایر عرب جرقویه از لیست مربوط به توزیع دفترچه‌های بسیج اقتصادی عشایر استخراج و بر اساس طایفه‌ها و بعد خانوارها جداگانه تهیه و تنظیم و سپس با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی - سیستماتیک، ده درصد از جامعه آماری متناسب با جمعیت طایفه‌ها و بعد خانوارها انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند (جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱: جمعیت عشایر عرب جرقویه بر حسب اعضای خانوار طایفه‌ها<sup>۱۷</sup>

اعضای خانوار طایفه	یک نفره	دو نفره	سه نفره	چهار نفره	پنج نفره	شش نفره	هفت نفره	هشت نفره	نه نفره	ده نفره	یازده نفره	دوازده نفره	جمع
عرب مختاری	۱۲	۱۹	۳۸	۴۴	۴۲	۴۴	۳۹	۳۱	۱۷	۶	۲	۱	۳۰۴
عرب صالحی	۱۴	۳۲	۵۶	۴۷	۳۴	۳۲	۳۵	۱۹	۱۱	۱۱	۲	۱	۲۹۴
عرب جعفری	۶	۲۵	۲۵	۲۹	۲۷	۲۷	۲۱	۱۸	۹	۱۳	۳	۲	۲۰۵
عرب مومنی	۱	۹	۴	۵	۶	۹	۱۱	۸	۳	۴	-	-	۶۰
رضائی	-	۴	۱	۲	۴	۶	۲	۲	۶	۱	۱	-	۲۹
ملا رضائی	۱	۱	۷	۱	-	۶	۳	۴	۲	۴	۳	-	۲۹

تکنیک جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق پرسشنامه است. برای تکمیل پرسشنامه از مصاحبه استفاده شده است. سؤالات پرسشنامه در دو زمینه مجزای کوچ و اسکان به صورت باز پاسخ و چند گزینه‌ای طرح‌ریزی شده و پرسشگران با در اختیار داشتن اسامی رؤسای خانوارهای نمونه با مراجعه به آنها در روستاهای قشلاقی (نصرآباد، محمدآباد، حسین‌آباد و رامشه) اقدام به تکمیل پرسشنامه نموده‌اند. لازم به ذکر است که به منظور آشنایی با ذهنیت

جامعه مورد بررسی در زمینه موضوعات و پارامترهای مورد مطالعه قبل از تدوین پرسشنامه نهایی اقدام به انجام یک پیش تحقیق در منطقه شد.

نوع روش تحقیق توصیفی - تحلیلی است و عملیات آماری این تحقیق در دو سطح توصیفی و استنباطی صورت گرفته است.

در سطح توصیفی با استفاده از درصد و میانگین به تجزیه و تحلیل و مقایسه داده‌ها پرداخته شده و در سطح استنباطی از آزمون کاسکور (square - Chi) و ضریب توافق چوپرف (PC) که متناسب با تحقیق تشخیص داده شده‌اند استفاده شده است.

لازم به تذکر است که در استفاده از  $\chi^2$  در موارد ضروری از تصحیح و ادغام سطوح مختلف متغیرها استفاده شده است.



نقشه شماره ۱: موقعیت ایل عرب جرقویه نسبت به سایر ایلات مهم ایران





نقشه شماره ۲:

کانون های قشلاقی عشایر عرب جزیره

### ۵- نتایج و بحث

نتایج حاصله در خصوص محور اول یعنی خصوصیات اقتصادی و اجتماعی خانوارهای

نمونه، نشان می‌دهد که:

در سال مورد بررسی، حدود ۷۵ درصد خانوارهای این ایل کوچ‌رو بوده و یکی از اشکال

کوچ یعنی برون کوچی یا درون کوچی را داشته‌اند.

بررسی نوع طایفه خانوارهای کوچ‌رو نشان می‌دهد که ۳۵/۳ درصد آنها متعلق به طایفه

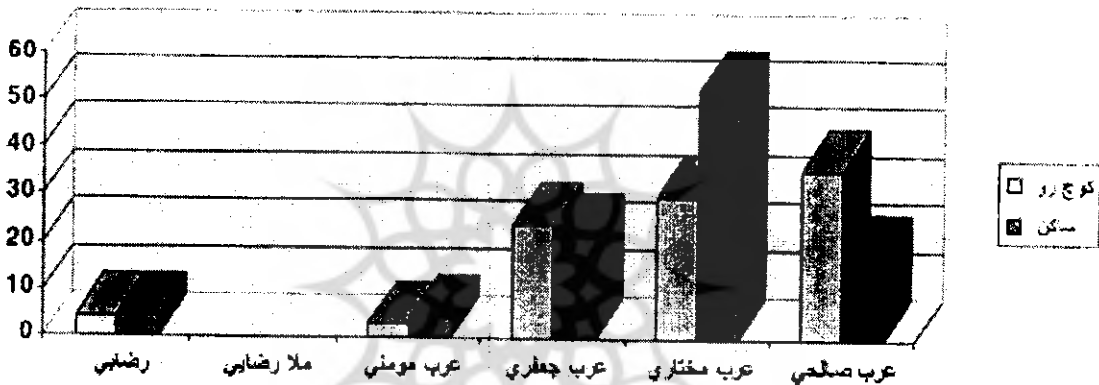
عرب صالحی بوده‌اند و این نسبت برای طوایف دیگر یعنی عرب مختاری، عرب جعفری،

عرب مومنی، ملارضائی و رضائی به ترتیب ۲۹/۴، ۲۳/۶، ۲/۹، ۴/۴ و ۴/۴ درصد بوده است

(جدول شماره ۲).

جدول شماره ۲: توزیع خانوارهای مورد مطالعه بر حسب نوع طایفه به تفکیک کوچرو و ساکن<sup>۱۷</sup>

طایفه / وضعیت اسکان	عرب صالحی	عرب مختاری	عرب جعفری	عرب مومنی	ملا رضایی	رضایی	جمع
کوچرو	۵۲/۳	۲۹/۶	۲۳/۸	۲/۹	۴/۴	۴/۴	۱۰۰
ساکن	۱۷/۴	۵۲/۱	۲۱/۷	۴/۴	-	۴/۴	۱۰۰



نمودار شماره ۱: توزیع خانوارهای مورد مطالعه بر حسب نوع طایفه به تفکیک کوچرو و ساکن<sup>۱۸</sup>

یافت سنی رؤسای خانوارهای کوچرو نسبت به رؤسای خانوارهای ساکن، پیرتر است و از این نظر بین متغیر میزان سن و کوچروی رابطه معنی دار وجود داشته است. این نتایج نشان می دهد که اکثریت خانوارهای اسکان یافته جوانان هستند که تحمل مشقات کوچ را ندارند. متوسط بعد خانوار در خانوارهای کوچرو حدود ۷/۴ نفر است که در مقایسه با خانوارهای ساکن ۵/۶ نفر افزایش را نشان می دهد. اما بین متغیر بعد خانوار و کوچروی رابطه معنی داری مشاهده نشده است.

جدول شماره ۳: رابطه بین بعد خانوار و نوع علاقه به کوچروی یا اسکان خانوارهای نمونه کوچرو<sup>۱۹</sup>

جمع	نوع علاقه		علاقه / بعد خانوار
	اسکان	کوچرو	
۲۸	۱۰	۱۸	۱ تا ۵ نفر
۴۰	۱۲	۲۸	۶ نفر به بالا
۶۸	۲۲	۴۶	جمع

$\chi^2 = ۰.۰۰۵$        $df = 1$        $\alpha = ۰.۱۰۵$        $\chi^2 \geq ۳.۸۴$  حدنصاب

نسبت با سوادی رؤسای خانوارهای کوچ رو حدود ۱۱ درصد است که این نسبت در مقایسه به میزان باسوادی رؤسای خانوارهای ساکن حدود ۶ درصد کاهش نشان می‌دهد و بین متغیر وضع سواد و کوچ روی رابطه معنی‌داری مشاهده نشده است.

جدول شماره ۴: رابطه بین وضع سواد و نوع علاقه به کوچ روی یا اسکان رؤسای خانوار نمونه<sup>۹</sup>

جمع	نوع علاقه		علاقه سواد
	اسکان	کوچ رو	
۱۷	۶	۱۱	باسواد
۵۱	۱۶	۳۵	بی سواد
۶۸	۲۲	۴۶	جمع

$$x^2 = . \quad df = 1 \quad \alpha = 0.05 \quad \text{حدنصاب } x^2 \geq 3.84$$

میزان تحصیلات رؤسای خانوارهای کوچ رو نیز کمتر از رؤسای خانوارهای ساکن است. به نحوی که هیچ کدام از رؤسای خانوارهای کوچ رو نمونه در سطح بالاتر از دوران ابتدائی تحصیل نگردانند. ولی در خانوارهای ساکن نمونه، سواد حدود ۲۰ درصد آنان در این سطح بوده است. در سطح احتمال گفتار ۹۰ درصد، بین میزان سواد و کوچ روی رابطه معنی‌داری مشاهده شده است.

شغل اصلی صد درصد رؤسای خانوارهای کوچ رو نمونه دامداری بوه است که در مقایسه با مشاغل اصلی رؤسای خانوارهای ساکن تنوعی ندارد.

۶- نتایج حاصله در مورد خصوصیات مهم اقتصادی و اجتماعی خانوارهای کوچ رو نشان می‌دهد که:

در سال مورد بررسی حدود ۹۳ درصد خانوارهای کوچ رو، برون کوچ و به خارج از محدوده معمول قشلاقی خود کوچ کرده‌اند و ۷۰ درصد بقیه درون کوچ بوده و محدوده کوچ آنها همان منطقه قشلاقی بوده است.

مهمترین محدوده بیلاقی خانوارهای کوچ رو نمونه به ترتیب فراوانی، شهرستان‌های بروجن، آباده و اقلید بوده است که در حدود ۸۳ درصد خانوارهای فوق را جای داده‌اند.

مهمترین محدوده قشلاقی خانوارهای کوچ رو نمونه، شهرستان‌های اصفهان (بخش جرقویه) بوده است که حدود ۷۸ درصد خانوارهای فوق به این محل کوچ کرده‌اند. سایر خانوارهای کوچ رو و محل نگهداری دام خود را شهرستان‌های آباده و بروجن و محل سکونت خانوارهای خود را شهرستان اصفهان (بخش جرقویه) نام برده‌اند.

متوسط تعداد دام ۹۸/۵ درصد از خانوارهای کوچ رو نمونه که از خود دام داشته‌اند، در منطقه بیلاق حدود ۲۳۷ و در منطقه قشلاق ۲۳۱ راس بوده است که تفاوت چندانی مشاهده نمی‌شود.<sup>۹</sup>

دام حدود ۸۴ درصد از خانوارهای کوچ رو به صورت دسته‌جمعی و مشترک و دام ۱۶ درصد بقیه به صورت انفرادی تعلیف می‌شده است. بنابراین بر طبق ارقام فوق اکثر خانوارها دام خود را مشترکاً با خانوارهای دیگر تعلیف می‌نمایند که علت آن را می‌توان در ماهیت این نوع فعالیت که نیروی انسانی بیشتری را می‌طلبد و همچنین دارا بودن پروانه مشترک و حفظ امنیت بیشتر جستجو کرد.

در سال مورد بررسی حدود ۷۰ درصد خانوارهای کوچ رو، مراتع مورد استفاده خود را اجاره کرده‌اند. رقم فوق نشان‌دهنده توزیع نامناسب مراتع و ضعف در مدیریت توزیع آن است. زیرا در حقیقت کسانی که پروانه چرا داشته و یا حداقل ادعای حق استفاده از مراتع را می‌نموده، مانع تعلیف دام عشایر این ایل می‌شده‌اند که عمدتاً خودشان دام نداشته و در بخش غیر از دامداری فعالیت می‌نموده‌اند و از کسانی که نیازمند واقعی آن هستند، اجاره بابت بهره‌برداری از مرتع دریافت می‌دارند. این مسئله خصوصاً در سال‌های اخیر تشدید شده است و یکی از علل مهم نارضایتی خانوارهای کوچ رو از کوچ بوده است.

روستائیان ساکن، عشایر ایلات دیگر و عشایر همین ایل به ترتیب فراوانی از جمله کسانی بوده‌اند که مراتع را به عشایر این ایل اجاره داده‌اند و علت عدم استفاده از مراتع توسط خود را عمدتاً نداشتن دام و اشتغال در مشاغل غیر دامداری ذکر کرده‌اند.

بررسی کوچ خانوارهای کوچ رو در پنج سال گذشته نشان می‌دهد که هر ساله حدود ۵ الی ۱۹ درصد و به طور متوسط ۱۴ درصد خانوارها به سردسیر یا منطقه بیلاقی کوچ نکرده‌اند و کوچ آنها در زمستان و تابستان همان قلمرو قشلاقی ایل بوده است.<sup>۹</sup>

مهمترین علل عدم کوچ روی خانوارهای کوچ رو به منطقه بیلاقی در بعضی از سال‌ها به ترتیب فراوانی، نداشتن مرتع، ممانعت دیگران در چرای مراتع و بارندگی کافی در قشلاق بوده است.

مکان‌های ییلاقی و قشلاقی حدود یک دوم عشایر کوچ‌رو در هر پنج سال گذشته تغییر کرده است که علل آن به ترتیب فراوانی، ممانعت دیگران در بهره‌برداری از مراتع، نداشتن مرتع و استفاده از مراتع بهتر بوده است. مسئله فوق نشانگر عدم ثبات و احساس ناامنی عشایر و مشکلات عدیده عشایر در استفاده از مراتع است.

درصد خانوارهای دارای پروانه چرا در منطقه ییلاق و قشلاق به ترتیب ۴۰ و ۷۲ درصد است. ارقام فوق نشانگر یکی از مشکلات مهم خانوارهای کوچ‌رو یعنی نداشتن پروانه چرا در درصد قابل توجهی از خانوارهای فوق است.<sup>۵</sup>

حدود یک دوم از پروانه‌های چرا در منطقه ییلاق و حدود یک سوم آن در قشلاق خصوصی یا انفرادی و بقیه جمعی یا مشترک بوده است.

در سال مورد بررسی حدود ۳۷ درصد از افراد دارای پروانه چرا در منطقه ییلاق از حق پروانه چرای خود استفاده نکرده‌اند که مهمترین علت آن مانع نشدن دیگران در استفاده از مرتع خود می‌باشد. این مسئله بعد از نداشتن پروانه چرا در نارضایتی خانوارهای کوچ‌رو از کوچ خود، نقش مهمی ایفا می‌کند.

علی‌رغم وجود زمین کشاورزی در منطقه قشلاق، به علت نبود آب کشاورزی، اشتغال عشایر کوچ‌رو این ایل به امر زراعت بسیار کم و اندک است. به نحوی که فقط ۷/۶ درصد خانوارهای فوق در این امر فعالیت داشته‌اند.

میزان اشتغال به امر زراعت در منطقه ییلاق نیز اندک بوده است. به طوری که فقط ۲/۹ درصد خانوارهای کوچ‌رو نمونه این ایل به فعالیت فوق می‌پرداخته‌اند.

منبع اصلی امر از معاش حدود ۹۷ درصد خانوارهای کوچ‌رو، دامداری بوده است. همچنین حدود ۶۵ درصد خانوارهای کوچ‌رو برای تأمین معاش خود به غیر از دامداری به فعالیت‌های دیگری چون زراعت، قالی‌بافی، رانندگی، کارگری و غیره می‌پرداخته‌اند.<sup>۶</sup> حدود ۶۵ درصد رؤسای خانوارهای کوچ‌رو در مشاغل غیر از دامداری مهارتی نداشته‌اند که مسئله قابل توجهی است.<sup>۷</sup>

زراعت، کارگری ساده، نخ‌ریسی و رانندگی مهمترین زمینه‌های مهارت ۴۵ درصد رؤسای خانوار کوچ‌رو بوده است که در مشاغل غیر از دامداری مهارت داشته‌اند. ارقام فوق نشانگر

محدود بودن زمینه‌های مهارت از نظر تنوع و عدم وجود مهارت در مشاغل فنی و تولیدی (به غیر از کشاورزی) است.

۲- نگرش‌ها و تمایلات خانوارهای کوچ‌رو نسبت به کوچ و اسکان نشان می‌دهد که:

مهمترین علت کوچ روی خانوارهای کوچ‌رو از نظر فراوانی، نداشتن تخصص دیگر، امرار سغاش، استفاده از تغییرات آب و هوا و استفاده از مراتع طبیعی بوده است.

حدود ۷۰ درصد خانوارهای کوچ‌رو اظهار داشته‌اند که وضع فعلی کوچ‌روی نسبت به سال‌های گذشته مشکل‌تر شده است که علت آن را عمدتاً می‌توان در وضعیت نامناسب مراتع و اختلافات ناشی از بهره‌برداری آن جستجو کرد.

در حدود ۷۸ درصد رؤسای خانوار کوچ‌رو و حدود ۵۷ درصد همسران آنها نسبت به کوچ ابراز علاقه کرده‌اند که نشانگر علاقه بیشتر رؤسای خانوار کوچ‌رو به کوچ در مقایسه با همسران است.

مهمترین علل علاقه همسران به کوچ، به ترتیب فراوانی، تبعیت از خانوار و بهره‌مندی از هوای مطبوع بیلاق و در رابطه با رؤسای خانوار به ترتیب، نداشتن تخصص دیگر و بهره‌مندی از هوای مطبوع بیلاق بوده است.

مهمترین علل عدم علاقه به کوچ رؤسای خانوار به ترتیب فراوانی، مشکل بودن کوچ یا ممانعت دیگران در بهره‌برداری از مراتع و کمبود مراتع و برای همسران آنها مشکل بودن کوچ‌روی است.

در ارتباط با دو متغیر علاقه و بعد خانوار رابطه معنی‌دار مشاهده شده است. یعنی افراد دارای خانوار با اعضای بیشتر نسبت به کوچ‌روی علاقه بیشتری نشان داده‌اند و بالعکس.<sup>۵</sup>

جدول شماره ۵: رابطه بین بعد خانوار و علاقه به کوچ خانوارهای کوچ‌رو نمونه<sup>۵</sup>

جمع	نوع علاقه		علاقه سن
	خیر	بله	
۲۸	۱۰	۱۸	۱ تا ۵ نفر
۴۰	۵	۳۵	۶ نفر به بالا
۶۸	۱۵	۵۳	جمع

$$\chi^2 = ۲/۹۰$$

$$df = 1 \quad \alpha = ۰/۰۵$$

$$\chi^2 \geq ۳/۸۴ \text{ مناسب}$$

نتایج بررسی رضایت خانوارهای کوچ‌رو از کوچ، حاکی است که فقط حدود یک سوم آنها صریحاً اظهار داشته‌اند که از کوچ‌روی خود رضایت دارند. در ارتباط با دو متغیر رضایت و تعداد دام رابطه معنی‌دار وجود دارد. یعنی افراد دارای تعداد دام بیشتر نسبت به کوچ خود رضایت بیشتری داشته‌اند و بالعکس.

جدول شماره ۶: رابطه بین تعداد دام و رضایت از کوچ در خانوارهای کوچ‌رو نمونه<sup>۹</sup>

جمع	رضایت از کوچ		علاقه تعداد دام
	خیر	بلی	
۴۰	۷	۳۳	تا ۲۰۰ رأس
۲۸	۸	۲۰	۲۰۱ رأس به بالا
۶۸	۱۵	۵۳	جمع

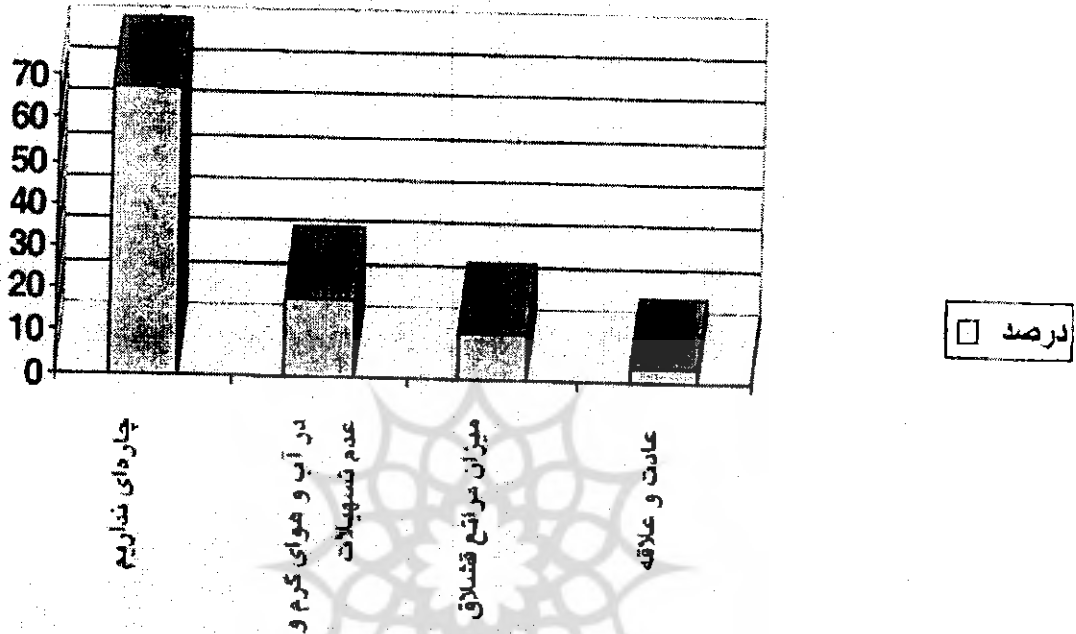
$\chi^2 = ۷۲$        $df = ۱$        $\alpha = ۰/۰۵$       حد تصادف  $\chi^2 \geq ۳/۸۴$

در خصوص ادامه کوچ‌روی در سال آینده، در حدود ۶۸ درصد خانوارهای کوچ‌رو نمونه اظهار داشته‌اند که در سال آینده کوچ خواهند کرد و علت کوچ خود را عمدتاً از روی ناچاری (چاره نداریم، کار دیگری نداریم) ذکر کرده‌اند. ارقام فوق مؤید این معنی است که خانوارهای کوچ‌رو عمدتاً از روی رضایت و یا علاقه شخصی و فردی به کوچ ادامه نمی‌دهند و به علت این که در صورت اسکان بودن در منطقه قشلاق زمینه اشتغال وجود ندارد، این شیوه را ادامه می‌دهند. (جدول شماره ۷)

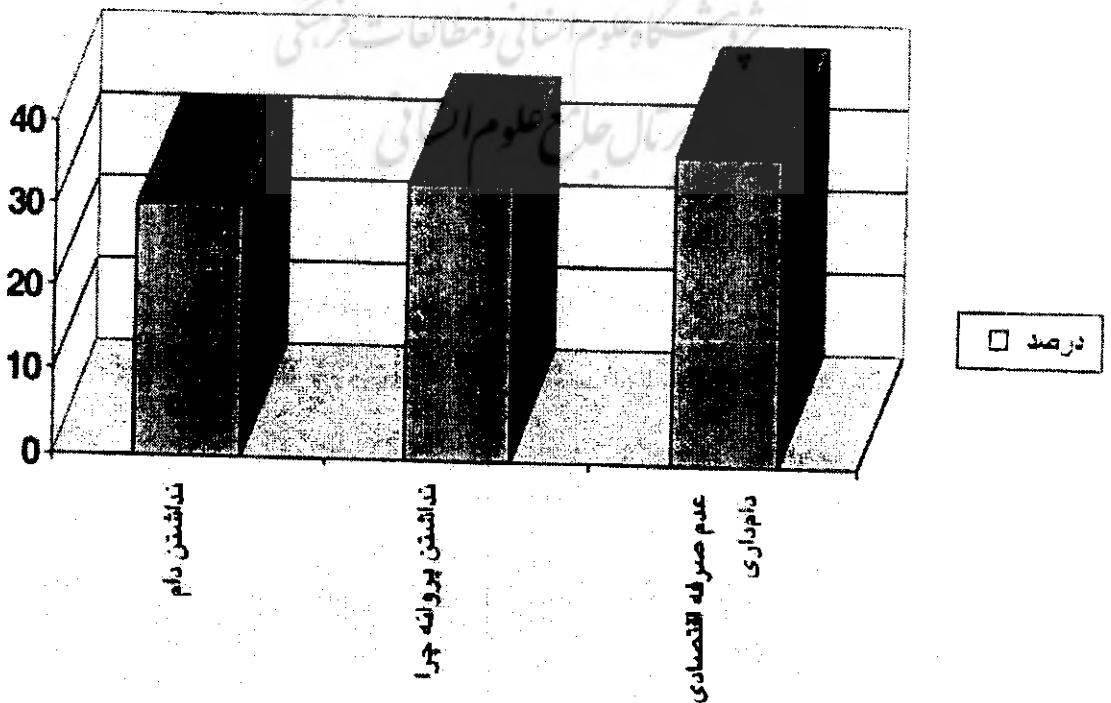
جدول شماره ۷: علل کوچ یا عدم کوچ در سال آینده توسط خانوارهای کوچ‌رو<sup>۹</sup>

علل	علت کوچ در سال آینده				علت عدم کوچ در سال آینده		
	چاره ای نداریم، کار دیگری نداریم	آب و هوای گرم و عدم تسهیلات در تابستان	میزان مراتع در قشلاق و خشکسالی	عادت و علاقه	نداشتن دام	نداشتن پروانه چرا	عدم صرفه اقتصادی دامداری
درصد	۶۷/۶	۱۸/۵	۱۰/۸	۳/۱	۳۰	۳۳	۳۷

نمودار شماره ۲: درصد علت کوچ درسال آینده<sup>۵</sup>



نمودار شماره ۳: درصد علت عدم کوچ درسال آینده<sup>۵</sup>



حدود یک دوم خانوارهای کوچ رو اظهار داشته‌اند که فرزندان آنها با توجه به ادامه وضع فعلی کوچ‌روی در سال‌های آینده به کوچ‌روی ادامه نخواهند داد که نشانگر وضعیت نامناسب کوچ‌روی در سال‌های اخیر است.



مهمترین اقدامات جهت بهبود وضع کوچ‌روی از نظر خانوارهای کوچ‌رو برای منطقه ییلاق، به ترتیب فراوانی، رفع ممانعت دیگران در بهره‌برداری از مراتع و دادن پروانه چرا و برای منطقه قشلاق، دادن علوفه و جو و تأمین آب برای شرب دام بوده است. همچنین خانوارهای کوچ‌رو به ترتیب فراوانی، اقداماتی چون دادن علوفه و جو، رفع ممانعت دیگران در چرای دام، دادن مرتع یا پروانه چرا، دادن وسیله نقلیه و تضمین خرید دام را به عنوان اقدامات ضروری جهت ادامه کوچ‌روی در سال‌های آینده ذکر نموده‌اند.

کوچ کردن به شیوه خانواری به نظر ۹۶ درصد رؤسای خانوارهای کوچ‌رو برای منطقه ییلاق و ۵۰ درصد آنها برای منطقه قشلاق مناسب‌تر از فردی کوچ کردن است. ارقام فوق نشان می‌دهد که اگر شرایط زیست در قشلاق نیز فراهم باشد، رؤسای خانوارهای کوچ‌رو در این مورد نیز خانواری کوچ کردن را بر فردی آن ترجیح می‌دهند.

خانوارهای کوچ‌رو نمونه در پاسخ به این سؤال که با کدام یک از شیوه‌های زندگی کوچ‌روی یا اسکان موافق هستند؟

حدود ۶۸ درصد خانوارهای کوچ‌رو نمونه به کوچ‌روی و ۳۱ درصد آنها نسبت به اسکان ابراز علاقه بیشتری کرده‌اند. مهمترین علل علاقه افراد به کوچ به ترتیب فراوانی، عدم وجود کار یا نداشتن تخصص دیگر، استفاده از تغییرات آب و هوا و فعالیت در امور دامداری و در رابطه با افراد علاقمند به اسکان به ترتیب، عدم تحمل مشقات کوچ‌روی یا نداشتن درگیری در ارتباط با مرتع و استفاده از امکانات رفاهی بوده است. علل فوق نشان می‌دهد که در هیچ‌کدام از علل علاقه به اسکان یا کوچ‌روی، انگیزه‌های اقتصادی و علاقه شخصی وجود ندارد بلکه خانوارهای فوق به لحاظ شرایط نامناسب در هر دو شیوه زندگی مجبورند به یکی از این دو شیوه علاقه داشته باشند.

حدود ۸۱ درصد رؤسای خانوارهای کوچ‌رو در صورت فراهم شدن زمینه اشتغال به امر اسکان ابراز علاقه نموده‌اند. رقم فوق نشان می‌دهد که به لحاظ مشقات و مشکلاتی که در کوچ‌روی وجود دارد، اگر زمینه اشتغال برای عشایر این ایل فراهم شود، اکثر آنها تمایل به اسکان دارند.

زراعت، دامداری و کارگری در کارخانه به ترتیب فراوانی، مهمترین زمینه‌هایی است که رؤسای خانوارهای کوچ‌رو مایلند در صورت اسکان در آن فعالیت نمایند.

در حدود ۸۷ درصد خانوارهایی که به امر اسکان تمایل نشان داده‌اند، محل مورد علاقه خود برای سکونت دائمی را همان روستاهای قشلاقی نام برده‌اند. علت این تمایل عمدتاً وجود خانه و زندگی، وجود اقوام و وابستگی‌های قومی و فرهنگی است و انگیزه‌های اقتصادی و مادی در این انتخاب یا تمایل چندان مورد توجه نیست.<sup>۵</sup>

حدود ۷۱ درصد خانوارهای کوچ‌رو برای اسکان مزیتی قائل شده‌اند و مهمترین این مزیت از نظر آنها عدم تحمل مشقات کوچ‌روی یا نداشتن درگیری و اختلاف با دیگران در رابطه با مراتع بوده که در حدود ۹۲ درصد آنها به آن اشاره نموده‌اند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود به علت عدم وجود زمینه اشتغال به کار، برای اسکان مزیت‌های اقتصادی و مادی، کمتر مورد توجه بوده است.

۴- نتایج حاصله در مورد خصوصیات مهم اقتصادی و اجتماعی خانوارهای ساکن نشان می‌دهد که:

حدود ۹۰ درصد خانوارهای ساکن در ۱۰ (سال گذشته) و ۶۰ درصد آنها در ۵ سال گذشته (۱۳۸۴-۱۳۷۴) اسکان یافته‌اند که نشانگر رشد نسبی اسکان یا تخته قاپو شدن عشایر این ایل در ۱۰ سال گذشته و خصوصاً در سال‌های اخیر بوده است.

خانوارهای ساکن عمدتاً به لحاظ مشکل عدیده‌ای که در کوچ‌روی داشته‌اند، به ناچار اسکان یافته‌اند و علاقه شخصی و انتخاب آزادانه در اسکان آنها نقش مهمی نداشته است به نحوی که مهمترین علل عدم کوچ‌روی خود را به ترتیب فراوانی، نداشتن پروانه چرا، اشتغال در بخش غیردامداری، کم داشتن دام و ممانعت دیگران در بهره‌برداری از مراتع ذکر کرده‌اند.

حدود ۹۱ درصد خانوارهای ساکن علی‌رغم اسکان در دامداری فعالیت دارند که این رقم نشانگر نبودن زمینه‌های دیگر اشتغال در منطقه سکونت و عدم مهارت رؤسای خانوارهای ساکن در زمینه‌های دیگر و احیاناً علاقه آنها به این فعالیت می‌باشد.

در حدود ۸۷ درصد خانوارهای ساکن، دامداری را به عنوان یکی از طرق امرار معاش خود ذکر کرده‌اند که این رقم مؤید این مطلب است که علی‌رغم اسکان خانوارها، فعالیت فوق هنوز در تأمین معاش آنها نقش اساسی خود را حفظ کرده است.

زمینه‌هایی که رؤسای خانوارهای عشایر به غیر از دامداری در آن مهارت داشته‌اند، عمدتاً به ترتیب فراوانی شامل: زراعت، کارگری ساده و رانندگی بوده است و در مشاغل فنی

و تولیدی (به غیر از کشاورزی) در رؤسای خانوارهای فوق مهارت قابل ملاحظه‌ای وجود ندارد.

#### ۹- نگرش‌ها و تمایلات خانوارهای ساکن نسبت به کوچ و اسکان نشان می‌دهد که:

حدود ۶۱ درصد رؤسای خانوارهای ساکن (۷۰ درصد همسران آنها) از اسکان یا عدم کوچ‌روی خود ابراز رضایت کرده‌اند. ارقام فوق نشانگر رضایت بیشتر همسران نسبت به رؤسای خانوار از اسکان نمودن است.

جدول شماره ۸: علل رضایت و عدم رضایت خانوارهای ساکن از کوچ نکردن و میزان خانوارهای اشاره‌کننده به هر کدام (به درصد)<sup>۹</sup>

علل	علل رضایت			علل عدم رضایت	
	عدم تحمل مشقات کوچ‌روی و عدم درگیری با دیگران بر سر مرتع	دسترسی بهتر به امکانات	کسب درآمد بیشتر	عدم وجود کار و درآمد	گرم بودن آب و هوا و نامناسب بودن شرایط زندگی
اعضای انوار					
رؤسای خانوار	۴۵/۰۵	۳۱/۸	۲۲/۷	۶۶/۷	۳۳/۳
همسران خانوار	۵۳/۸	۳۰/۸	۱۵/۴	۴۲/۹	۵۷/۱

علل رضایت رؤسای خانوارهای ساکن از اسکان یا کوچ نکردن فراغت از مشکلات و مشقات کوچ‌روی و دسترسی بهتر به امکانات رفاهی است و بهبود زندگی اقتصادی علل رضایت فقط یک سوم آنها بوده است.

مهمترین علت عدم رضایت کسانی که از اسکان یافتن خود راضی نبوده‌اند، عدم وجود کار و درآمد است. آب و هوای نامناسب منطقه قشلاق و عدم وجود لوازم و امکانات مناسب برای زندگی در این آب و هوا نیز از جمله علت دیگر نارضایتی این دسته از افراد بوده است. علی‌رغم اسکان حدود ۵۲ درصد رؤسای خانوارهای ساکن و ۳۵ درصد همسران آنها نسبت به کوچ علاقه داشته‌اند. ارقام فوق مؤید دو مطلب است: اول این که رؤسای خانوارها نسبت به همسران خود علاقه بیشتری به کوچ‌روی داشته‌اند و دوم این که علت مهم این علاقه داشتن، عمدتاً به لحاظ عدم وجود زمینه کار و کسب درآمد در شیوه اسکان بوده است.

جدول شماره ۹: علاقه یا عدم علاقه روسا و همسران خانوارهای ساکن به کوچ (به درصد)<sup>۹</sup>

جمع	خیر	بله	علاقه	
			اعضاء	رؤسای خانوار
۱۰۰	۴۷/۸	۵۲/۲	رؤسای خانوار	
۱۰۰	۶۵/۲	۳۴/۸	همسران خانوار	

حدود ۷۴ درصد خانوارهای ساکن اظهار داشته‌اند که در آینده نیز قصد کوچ‌روی ندارند. این مسئله نشان می‌دهد همان‌طور که در شیوه اسکان انگیزه‌های جاذب اقتصادی وجود ندارد، در شیوه کوچ‌نشینی نیز به علت وجود مشکلات عدیده‌ای که خصوصاً در رابطه با بهره‌برداری از مراتع هست، انگیزه‌های جاذب وجود ندارد و علی‌رغم مشکلاتی که خانوارها در اسکان دارند، اکثر آنها رغبت چندانی به ادامه مجدد کوچ‌روی ندارند.

جدول شماره ۱۰: قصد کوچ‌روی در سال‌های آینده توسط خانوارهای ساکن (به درصد)<sup>۱۰</sup>

جمع	معلوم نیست	خیر	بله	میزان	
				تعداد	درصد
۱۰۰	۸/۷	۷۳/۹	۱۷/۴		

حدود ۶۱ درصد خانوارهای ساکنی که برای اسکان مزیتی قائل بوده‌اند، مهمترین مزیت آن را داشتن مشقات کوچ‌روی و بعد از آن دسترسی بهتر به تسهیلات رفاهی ذکر کرده‌اند. قابل ذکر است که فقط حدود ۱۱ درصد خانوارهای ساکن برای اسکان مزیت اقتصادی مانند کسب درآمد بیشتر ذکر نموده‌اند.

جدول شماره ۱۱: مزیت‌های اسکان از نظر خانوارهای ساکن و میزان خانوارهای اشاره‌کننده به هر کدام (درصد)<sup>۱۱</sup>

مزیت	وجود مزیت در اسکان			مزایای اسکان		
	کل	دارد	ندارد	درگیری مرتع و گذشتن	عدم فصل مشقات کوچ‌روی	رفاهی تسهیلات استفاده بیشتر از مراتع
میزان						
درصد	۱۰۰	۶۰/۹	۳۹/۱	۵۹	۳۰	۱۱

از دیدگاه خانوارهای ساکن، درصد خانوارهای کوچ‌رو که از کوچ خود راضی هستند، کمتر از درصد خانوارهای ناراضی است. به نظر آنها مهمترین علل رضایت گروه اول از کوچ روی خود به ترتیب فراوانی، کسب درآمد بیشتر، استفاده از هوای مطبوع بیلاق و داشتن مرتع و مهمترین علل عدم رضایت گروه دوم به ترتیب فراوانی، نداشتن پروانه چرا، درگیری با دیگران در بهره‌برداری از مراتع، خشکسالی و کمبود مرتع و عدم صرفه اقتصادی دامداری بوده است.

مشکلات خاص خانوارهای ساکن عمدتاً اقتصادی (نه اجتماعی) است. به طوری که مهمترین آن به ترتیب فراوانی، عدم وجود کار، مشکل دامداری در روستا و آب و هوای گرم و نداشتن امکانات زیست مناسب آن ذکر شده است.

۱- نتایج حاصله در خصوص مشکلات اقتصادی و اجتماعی روستی خانوارهای کوچ‌رو و ساکن نشان می‌دهد که:

مهمترین مشکلات خانوارهای ساکن در امر مربوط به دامداری به ترتیب فراوانی کمبود علوفه و نداشتن مرتع بوده است. نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در زمینه امور مربوط به زراعت، مهمترین مشکلات خانوارهای ساکن به ترتیب فراوانی، کمبود آب کشاورزی، کمبود کود و کمبود وسایل و لوازم کشاورزی است.

مشکل کمبود سهمیه نفت و گاز، قطع مکرر آب آشامیدنی به ترتیب فراوانی مهمترین مشکلات خانوارهای ساکن در امور زیر بنایی بوده است.

از مشکلات مهم خانوارهای ساکن در زمینه لوازم و مصالح ساختمانی به ترتیب فراوانی، کمبود مصالح ساختمانی و اخذ پروانه ساخت و تاخیر در تحویل مصالح بوده است.

در امور مربوط به تعاونی، خانوارهای ساکن کمتر مشکل داشته‌اند. کمبود اجناس مورد نیاز در تعاونی را می‌توان مشکل مهم مورد اشاره در این زمینه دانست.

مشکل مهم خانوارهای ساکن در زمینه امور آموزشی عدم وجود مدرسه راهنمایی بوده است.

در زمینه بهداشت و درمان، عدم وجود دکتر دائمی و کمبود حمام و بهداشتی بودن آن از جمله مهمترین مشکلات خانوارهای ساکن در این زمینه بوده است.

نداشتن روحانی و قدیمی و کوچک بودن مسجد از مشکلات مهم خانوارهای ساکن در امور مذهب است.

در زمینه تولید و فروش صنایع دستی، مهمترین مشکلات خانوارهای ساکن به ترتیب فراوانی، بازار نامناسب فروش فرش و گرانی مواد اولیه بوده است.

جدول شماره ۱۲: مشکلات خانوارهای کوچ رودر رابطه با صنایع دستی به تفکیک نوع شکل و منطقه کوچ (به درصد)

منطقه	داشتهن مشکل			نوع مشکلات			
	تلی	خبر	جمع	بازار مناسب	عدم وجود	مواد اولیه	گران بودن
بیلاق	۲۶/۵	۷۳/۵	۱۰۰	۶۰	۳۵	-	۵
تشلوق	۵۴/۴	۴۵/۶	۱۰۰	۵۸	۳۴	۵/۵	۲/۵

به طور کلی مهمترین مشکلات خانوارهای ساکن که بیش از ۳۵ درصد خانوارها درگیر آن بوده‌اند، به ترتیب فراوانی، بازار نامناسب فروش فرش، گرانی مواد اولیه، کمبود مصالح ساختمانی، عدم وجود دکتر دائمی، کمبود علوفه، کمبود حمام، نداشتن روحانی، کمبود آب کشاورزی و عدم وجود مدرسه راهنمایی بوده است.

### منابع و مأخذ:

- ۱- آشنایی با جامعه عشایری ایران. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی. دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی درسی. وزارت آموزش و پرورش. ۱۳۶۴.
- ۲- ایشار بیستانی، ایرج. مقدمه‌ای بر شناخت ایل‌ها، چادر نشینان و طوایف عشایری ایران. چاپ همای. جلد اول. پائیز ۱۳۶۶.
- ۳- امان‌اللهی بهاروند، اسکندر. کوچ‌نشینی در ایران. تهران: انتشارات آگاه. چاپ دوم: ۱۳۶۷.
- ۴- امان‌اللهی بهاروند، اسکندر. کوچ‌نشینی در ایران. بنگاه ترجمه و نشر کتاب. ۱۳۶۰.
- ۵- ایروانی، محمدرضا. بررسی جامعه‌شناختی عشایر عرب جرقویه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهاقان. اردیبهشت ۱۳۷۴.

- ۶- ترکمان، منوچهر. آشنایی با جامعه عشایری ایران. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی. دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی درسی. گروه آموزش و پرورش روستایی و عشایری. ۱۳۶۴.
- ۷- نرت، فردریک. ایل باصری ترجمه: کاظم ودیعی. موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران. ۱۳۴۳.
- ۸- جغرافیای مفصل ایران، جغرافیای انسانی. انتشارات اقبال. جلد دوم. ۱۳۶۷.
- ۹- طیبی، دکتر حشمت‌الله. مبانی جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی ایلات و عشایر. دانشگاه تهران. ۱۳۷۲.
- ۱۰- فرهادی، مرتضی. واژه نوعی تعاونی کهن و زنانه در روستاها و ایلات ایران. فصلنامه عشایری.
- ۱۱- ذخایر انقلاب. شماره ۱۶ سازمان امور عشایری ایران. پانیز. ۱۳۷۰.
- ۱۲- فیروزان، ت. ایلات و عشایر. مقاله ترکیب و سازمان ایلات و عشایر ایران. آگاه. ۱۳۶۲.
- ۱۳- مشیری، سیدرحیم. مسایل نوین قبیله‌ای (قومی) نو ما داریم. مجله علمی پژوهشی. دانشنامه دوره عالی تحقیقات (دکتری). تهران. سال اول شماره ۲. ۱۳۶۹.
- ۱۴- مطعی لنگرودی، سیدحسن. جغرافیای اقتصادی ایران. مشهد: چاپخانه دانشگاه فردوسی. جلد اول. ۱۳۷۳.
- ۱۵- نعمانی، فرهاد. تکامل فنودالیزم در ایران. خوارزمی. جلد اول. ۱۳۵۸.
- ۱۶- نتایج تفصیلی کل کشور، سرشماری اجتماعی، اقتصادی عشایر کوچنده. مرکز آمار ایران. ۱۳۶۷.
- ۱۷- نتایج سرشماری اقتصادی، اجتماعی عشایر کوچنده. ۱۳۶۶.
- ۱۸- وزارت برنامه و بودجه. مرکز آمار ایران. سرشماری اجتماعی - اقتصادی عشایر کوچنده کشور. تیرماه ۱۳۶۶.